

متن پرسش

با عرض سلام و ادب خدمت جنابعالی در مورد نزول وحی بر پیامبر در منابع تاریخی اینگونه نوشته شده است که وقتی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و به او گفت تو پیامبر از جانب خدایی و من جبرئیلیم پیامبر به نزد حضرت خدیجه سلام الله علیها آمد در حالیکه هنوز مطمئن نبود ان کس که دیده است واقعا جبرئیل باشد تا اینکه حضرت خدیجه او را دلداری داد و پیش ورقه بن نوفل پسر عموی خود رفت و او هم گفت اگر این مطالب که میگوئی درست باشد او پیغمبر است باز هم رسول خدا صلوات الله علیه و علی اله ارام نگرفت تا اینکه خدیجه فرمود دفعه بعد که جبرئیل آمد مرا خبر کن پیامبر او را خبر کرد خدیجه موهای خود را مکشوف نمود و از پیامبر پرسید ایا حالا او را می بینی فرمود نه گفت پس او فرشته است نه شیطان . هر چند که در منابع مختلف تفاوتهایی در جزئیات هست ولی قدر مشترک آنها این است که حضرت خدیجه بیشتر از پیامبر مطمئن بوده است که جبرئیل بر او نازل شده است. و با توجه به اینکه در دستورات عرفانی می گویند سالک در اول سلوک خود مخصوصا نباید به مکاشفات اطمینان حاصل نماید مگر اینکه بر استاد کاملی عرضه کند یا قرینه مطمئنی از قران و روایات داشته باشد و با عنایت به اینکه مساله وحی بسیار مهم است واقعا پیامبر چگونه به نزول جبرئیل اطمینان پیدا نمود؟ البته در همان منابع میگویند در اثر تکرار نزول به این امر مطمئن شد. و ایا این تردید اولیه که در منابع تاریخی آمده است قابل پذیرش میباشد؟ خواهشمند است در مورد نزول وحی و حفظ پیامبر از تصرفات خیال و شیطان توضیح بفرمایید و اگر در این زمینه کتابی مورد نظرتان می باشد معرفی نمایید.. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: خداوند نورش را در قلب شما مستدام بدارد. شهود سالک خودش، خودش را معرفی می کند و سالک در شهود خود با صورتی همراه با معانی و حقیقت روبهرو است. به گفته‌ی علماء بزرگ این نوع خبرها به کلی جعلی است و یک تهمت به رسول خدا «صلواة‌الهاعلیه‌وآله» می باشد. آنچنان نور وحی جان رسول خدا «صلواة‌الهوعلیه‌وآله» را پُر کرد که حضرت همه‌ی حقیقت را در جان خود احساس کردند، جایی برای حقیقت دیگری نمانده بود که بخواهند از طریق آن به حقیقت وحی بنگرد، خود حقیقت نزد آن حضرت بود. مثل نور بدیهیات که در شما هست، آیا از کسی می پرسید چرا جمع نقیضین محال است؟ موفق باشید